

فصل‌نامه بین‌المللی علمی _ تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)

سال ششم، شماره سیزدهم، بهار ۱۴۰۲ (۹۵-۱۱۸)

مقاله پژوهشی

Doi: 10.22034/JMZF.2023.390012.1144

DOR:

تیپ‌شناسی شخصیت قهرمان داستان در مدیر مدرسه آل احمد

بر اساس نظریه پیرسون و انیاگرام

علیرضا مظفری^۱، سوران شیخ‌الاسلامی مکرری^۲

چکیده

نقد روان‌شناختی از جمله حوزه‌های جدید نقد ادبی است که ناقد در آن بر اساس اصول علم روان‌شناسی، به نقد و تحلیل اثر ادبی می‌پردازد. یکی از مقوله‌های مهم در نقد روان‌شناختی، تیپ‌شناسی شخصیت است؛ از این‌روی روان‌شناسان برای شناخت نسبی شخصیت‌ها، روش‌های گوناگونی ارائه داده‌اند و هریک از زاویه خاصی به موضوع پرداخته‌اند. هدف اصلی این مقاله، بررسی تیپ‌شناسی قهرمان داستان در رمان مدیر مدرسه از جلال آل احمد است که برای دستیابی به این امر، از نظریه روان‌شناسی کارول. اس. پیرسون و هیو. کی. مار و نظریه انیاگرام استفاده شده است. روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است. جلال آل احمد، شخصی روشن‌فکر و امروزی بوده است که واقع‌گرایی را برای داستان «مدیر مدرسه» انتخاب کرده است. وی که با واقع‌نگری خود سعی در نشان دادن جامعه و زندگی دارد، در این داستان، افراد عادی جامعه را محور سخن خود قرار می‌دهد و سعی در شناخت جامعه امروزی برای خواننده داستان دارد. نتایج مقاله بیانگر این است که در نظریه کارول. اس. پیرسون و هیو. کی. مار شخصیت راوی داستان، نشان‌دهنده سه کهن‌الگوی یتیم و معصوم، حامی و جست‌وجوگر است و در تیپ‌شناسی انیاگرام نشان‌دهنده سه تیپ اصلاح‌طلب و کمال‌گرا، رئیس و رهبر و فکور و مشاهده‌گر است که تقریباً در هر دو نظریه این تیپ‌ها مشابه هم‌دیگر هستند.

واژه‌های کلیدی: روان‌شناسی، تیپ‌شناسی شخصیت، پیرسون، انیاگرام، آل احمد.

۱. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول).

a.mozaffari@urmia.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

aran435@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۹

۱. مقدمه

هر متن زاده ذهنی خلاق است که از درون و ذهن آفریننده‌اش برآمده است و می‌تواند مبین حالات روانی نویسنده و شاعرش باشد. در داستان - که متشکل از قهرمانان و دیگر شخصیت‌ها است - قهرمانان به‌ویژه قهرمان اصلی هر داستان می‌تواند انعکاسی از زندگی خود نویسنده باشد؛ بنابراین تحلیل آن‌ها می‌تواند نقبی به شخصیت نویسنده نیز باشد. نقد روان‌شناختی، خواننده را با لایه‌های زیرین داستان روبه‌رو می‌کند؛ به‌گونه‌ای که به درک عمیقی از شخصیت‌های داستان می‌توان رسید، زیرا نقد روان‌شناختی به بررسی عمیق انسان و عوالم ناشناخته درونی او روی آورده است. اگرچه این نقد به جنبه‌های زیبایی‌شناختی، فنی، ظرافت‌ها و بدعت‌های ادبی اثر توجهی ندارد. اهمیت این رویکرد تا حدی است که گاه بدون یاری جستن از آن، فهم اثر ادبی ناممکن است و توسل به این رویکرد، در شناخت هر چه ژرف‌تر آثار ادبی راهگشا است.

شخصیت‌های رمان و وقایع آن وسیله‌ای برای انعکاس تجربه و برداشت نویسنده از زندگی شخصی و اجتماعی خود و مهارت هنر داستان‌سرایی اوست. همان‌طور که رمان‌نویس از جامعه تأثیر می‌پذیرد و آن را در آثار خود منعکس می‌کند، به همان شکل هم از زندگی داخلی خود تأثیر و الهام می‌گیرد؛ در نتیجه کمتر رمانی پیدا می‌شود که در آن کوچک‌ترین اثری از زندگی شخصی خالق آن به چشم نخورد. رمان‌نویس مثل هر هنرمند دیگر، در انتقال افکار و احساساتش یا جامعه را آن‌طور که هست یا ایدئالیستی، آن‌طور که باید باشد ترسیم می‌کند. در هر دو صورت، او بی‌اعتنا نیست؛ بلکه از یک جهت به مجموعه‌ای از ارزش‌ها و روابط باور دارد که یا با ارزش‌های حاکم بر جامعه زمان خود هماهنگ‌اند یا به‌طور کامل مخالف‌اند.

ارزیابی دقیق قهرمان و ضدقهرمان، در رمان معاصر، بدون در نظر گرفتن رویارویی این شخصیت‌ها با شخصیت‌های مخالفشان و شناسایی اهداف یا مشکلات مهم مطرح‌شده - که شخصیت‌های اصلی در رسیدن به موانع یا برطرف کردن آن‌ها با مخالفان خود رودررو می‌شوند - امکان‌پذیر نخواهد بود. از طرفی دیگر، آثار هر نویسنده از زندگی شخصی، محیط اجتماعی و معیارهای ادبی جامعه او تأثیر می‌گیرند؛ در نتیجه در ارزیابی این شخصیت‌ها و ارتباط با خواننده، ضروری است شرایط اجتماعی زمان نگارش آن‌ها نیز مطالعه شود.

۱-۱. بیان مسئله و سؤالات تحقیق

در این مقاله برای بررسی تیپ قهرمان داستان، در داستان مدیر مدرسه جلال آل احمد از دو نظریه روان‌شناسی کارول. اس. پیرسون و هیو. کی. مار و نظریه انیاگرام استفاده شد. کارول. اس. پیرسون یکی از پیروان مکتب روان‌شناسی یونگ است که آثار خود، از جمله «زندگی برازنده من»، «قهرمان درون» و «بیداری قهرمان درون» را بر اساس روان‌شناسی تحلیلی و با رایه کهن‌الگوهای دوازده‌گانه نوشت. وی به همراه طرفدار دیگر نظریات یونگ، هیو. کی. مار با تکیه بر کهن‌الگوها، سفر قهرمانی را مورد بازبینی و کاوش قرار داد؛ کهن‌الگوهای دوازده‌گانه آن‌ها عبارت‌اند از: معصوم، یتیم، جنگجو، حامی، جست‌وجوگر، عاشق، نابودگر، آفرینش‌گر، حاکم، دلکک، فرزانه، جادوگر. آن‌ها با تأکید بر این دوازده کهن‌الگو در حقیقت رشد فردی هر کسی را در زندگی مورد بحث قرار می‌دهند.

همچنین یکی از جدیدترین مؤلفه‌های شخصیت و تیپ‌بندی شخصیت، طبقه‌بندی شخصیت انیاگرام است. با مرور سیر تحولی انیاگرام، می‌توان گفت که تعریف شخصیت در نظریه انیاگرام تا حدودی با نظریه سنتی در روان‌شناسی متفاوت است. آن‌ها شخصیت را ساختار پویای جنبه‌های ادراکی، انفعالی و ارادی و بدنی می‌دانند. حال آنکه محور مرکزی نظریه انیاگرام، تیپ‌های شخصیتی نه‌گانه، ماهیت یا ذات

آدمی است که شخصیت لایهٔ روبنایی آن محسوب می‌شود. ماهیت چیزی است که ذاتاً در ما وجود دارد، همان خویشتن ذاتی یا بستر وجودی است. داستان مدیر مدرسهٔ آل احمد، از زمره داستان‌هایی است که شخصیت اصلی آن به لحاظ تیپ‌شناسی قابل بررسی و تأمل است؛ لذا با توجه به تفاسیر ارائه‌شده، هدف اصلی این مقاله، بررسی تیپ‌شناسی شخصیتی داستان مدیر مدرسهٔ آل احمد با استفاده از نظریهٔ روان‌شناختی کارول. اس. پیرسون و هیو. کی. مار و نظریهٔ انیاگرام است و پرسش اصلی پژوهش این است که براساس نظریهٔ پیرسون و انیاگرام شخصیت قهرمان داستان در مدیر مدرسه آل احمد در کدام تیپ شخصیتی قرار می‌گیرد؟

۱-۲. اهداف و ضرورت تحقیق

هدف اصلی این پژوهش بررسی تیپ‌شناسی شخصیت قهرمان داستان در مدیر مدرسه آل احمد بر اساس نظریهٔ پیرسون و انیاگرام است. ضرورت انجام تحقیق شناخت تیپ شخصیتی مدیر مدرسه به لحاظ روان‌شناسی است؛ زیرا شخصیت پدیدهٔ اصلی داستان است و محور مفاهیم انسانی و اندیشه‌ها و آرای کلی است و شخصیت‌پردازی حاصل جمع تمام خصایص قابل مشاهدهٔ یک فرد انسانی است. ضرورت انجام دادن پژوهش، ادراک و بیان حالات و روحیات درونی نویسنده داستان است تا بدین طریق پی به قدرت ذوق و قریحهٔ او و نیروی عواطف و تخیلاتی ببریم که باعث خلق چنین اثری می‌شود.

۱-۳. پیشینهٔ تحقیق

به‌طور کلی بر روی آثار داستانی جلال آل احمد، به‌ویژه داستان مدیر مدرسه، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است؛ اما تاکنون پژوهشی با دیدگاه موضوع حاضر دربارهٔ مدیر مدرسه صورت نگرفته است. از بین مقالات عمده‌ای که به بررسی داستان مدیر مدرسه پرداخته‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کمالی نهاد و شیخ الاسلامی مکرری (۱۳۹۹)، پژوهشی با عنوان تحلیل اوضاع آموزش و پرورش و وضعیت معلمان در مدیر مدرسه آل احمد انجام دادند. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی نگاه تاریخی - اجتماعی جلال به وضعیت معلمان و آموزش و پرورش در دوره پهلوی می پردازد و مسائلی چون رضایت شغلی، وضعیت درآمد، ارزش کار معلمان نسبت به دیگر مشاغل، آداب مدرسه و معلم، شیوه های آموزش، تشویق و تنبیه ها و ... به خوبی و با رعایت بسیاری از جزئیات در داستان های او منعکس شده اند.

- سرآمی و مقیسه (۱۳۹۲)، مقاله ای با عنوان «پژوهشی در شخصیت های داستان مدیر مدرسه اثر جلال آل احمد» نوشتند. مهم ترین محور این پژوهش، بررسی شخصیت قهرمان اول و قهرمانان اصلی داستان «مدیر مدرسه» از منظر اخلاقی، رفتاری و اعتقادی است که برای هریک از این سه شاخص، نمونه هایی از متن کتاب به عنوان شاهد بیان شده است.

- منبری (۱۳۹۱)، پژوهشی با عنوان «تیپ شناسی شخصیت های داستانی جلال آل احمد» در قالب پایان نامه کارشناسی ارشد انجام داده است. این پژوهش همه آثار داستانی جلال آل احمد را در برمی گیرد که شامل ۵۲ داستان است. نتایج نشان داد از میان ۷۱ شخصیت از شخصیت های داستانی آل احمد ۲۶ شخصیت در تیپ مشاهده - گر جای می گیرد که معادل ۳۶ درصد کل شخصیت ها است که به گونه ای با شخصیت خود جلال آل احمد تطابق دارد.

- حسن زاده میرعلی و رضویان (۱۳۹۰)، مقاله ای با عنوان «قهرمان مسئله دار در رمان های مدیر مدرسه و سووشون» نوشتند. در این پژوهش ضمن توضیح و تبیین قهرمان پروبلماتیک، رمان های مدیر مدرسه جلال آل احمد و سووشون سیمین دانشور از این جنبه بررسی می شوند. قهرمانان این دو رمان به ترتیب، مدیر و یوسف به دلیل مخالفت با جامعه تباه خود، به عنوان افرادی پروبلماتیک معرفی می شوند.

گفتنی است که هیچ‌کدام از این مقالات مرتبط با موضوع این پژوهش نیست و تا حد زیادی از موضوع حاضر دور بوده‌اند. می‌توان گفت در نگارش این مقاله از این منابع بهره‌ای گرفته نشده است و از این حیث که مقاله حاضر با روشی جدید دو نوع تیپ‌شناسی شخصیت را برای داستان مدیر مدرسه در نظر گرفته است، با سایر آثار تفاوت دارد.

۲. بحث و یافته‌های تحقیق

۲-۱. بررسی و تحلیل شخصیت راوی در نظریه کارول. اس. پیرسون و هیو. کی. مار

۲-۱-۱. کهن‌الگوهای یتیم و معصوم

اغلب اولین کهن‌الگویی که در سفر قهرمانی، شخص با آن روبه‌رو می‌شود، «معصوم» است. «این کهن‌الگو مظهر اعتماد به دیگران و جهان است» (پیرسون، ۱۳۹۰: ۳۶) و شخصیت معصوم را به کودکی مانند کرده که برای انجام دادن کارهایش، نیازمند یاری دیگران است. معصوم در هنگام رویارویی با سختی‌ها و مشکلات، با افزایش تلاش و سعی خود بر این است تا ایمان و لیاقت بیشتری از خود نشان دهد. او بر این باور است که نتایج مثبت و مفید همراه با پاداش، از تلاش و کارهای خوبش دریافت می‌کند.

با مروری بر شخصیت‌های داستان، می‌توان متوجه شد که دانش‌آموزان و معلمان بیش‌تر با کهن‌الگوی یتیم و معصوم معرفی شده‌اند و درگیر مشکلات فقر و نداری هستند و در تکاپو و رسیدن به خودشناسی و تلاش برای رسیدن به مرحله دیگر گام بر نمی‌دارند. شخصیت‌ها همه به‌گونه‌ای خاص طراحی شده‌اند و پریشان‌احوالی و درماندگی و فقر بر فضای داستان چیره شده است. در این میان، تنها مدیر است که با نگاشتن خاطرات مدیر شدنش و تحولاتی که در طی داستان رقم می‌زند، مراحل را طی می‌کند. هرچند نمی‌توان او را قهرمان معرفی کرد و یا این‌که خودشناسی او به‌وضوح دیده نمی‌شود و بیش‌تر به قالب خاطره‌نویسی اکتفا می‌کند، با ظهور و

بیدارسازی کهن‌الگوها خود را نشان می‌دهد. اولین کهن‌الگویی که از او نشان داده می‌شود، نابودگر است. راوی از معلمی خسته شده است و به دنبال تحولی در زندگی خود است. او برای بازسازی زندگی شغلی خود، معلمی را رها می‌کند و می‌خواهد مدیر بودن را تجربه کند؛ زیرا زندگی معلمی خود را ناچیز و بی‌ارزش می‌شمارد که همین مسئله نوعی رهاسازی گذشته و توانایی دوباره آغازسازی او را نشان می‌دهد. پس مدیر بودن را برمی‌گزیند که البته برای دست یافتن به این مقام، سختی‌های خاصی را تحمل می‌کند و سرانجام با دادن رشوه به مدیریت مدرسه‌ای دورافتاده دست می‌یابد. با ورود به مدرسه درصدد ایجاد تحول و دگرگونی است. گاهی دچار تله‌ اسطوره‌ای می‌شود، عصبانیت‌های مداوم، سرزنش‌های پی‌درپی خود، تخریب ذهنیات، درخواست‌های مکرر استعفا که هر بار یا پاره می‌شوند یا دور انداخته شوند، همگی نشان از روح آشفته و سردرگم او دارد؛ اما در طی داستان، توانایی زیادی از او در پذیرش شکست خوردن‌ها به نمایش گذاشته می‌شود.

۲-۱-۲. کهن‌الگوی حامی

«حامی» تکامل یافته، با محبت و صفای خود دنیا را پُرانگیزه و شاد می‌کند. حامی وامانده و تکامل نیافته دچار نوعی وابستگی دوگانه و افراطی شده و کمک به دیگران را بهانه‌ای برای فرار و انکار مشکلات فردی خود قرار می‌دهد. او همواره فرصت انسانیت و شرافتمندانه زیستن را در اختیار دیگران قرار می‌دهد. وی محبت، احترام و عشق عمیقی نسبت به اطرافیان خود ابراز می‌کند و معرفت و انسان دوستی راستین را با رفتار و اندیشه‌های خود به همه آموزش می‌دهد. نقش‌های «حامی» شامل فراوانی، نعمت، حاصل‌خیزی، لبخند و انسان‌های خوشرویی می‌شود که با تواضع خم‌شده و به دیگران احترام می‌گذارند. او بشر دوستی، مهربانی و رشد و پرورش درونی را برای ما به ارمغان می‌آورد، به یاری و رسیدگی به نیازهای دیگران علاقه‌مند است و می‌تواند

در این راه از خود گذشتگی کند. حامی تکامل یافته، انسانی معنوی، بخشنده، فهمیده و بزرگواری است (ر.ک: همان: ۶۰-۶۲).

دومین کهن‌الگویی که در وجود مدیر خود را نشان می‌دهد، حامی است. او از کمک به دیگران مضایقه نمی‌کند و شرافتمندی راستین خود را به معرض نمایش می‌گذارد. همکاری، کمک، شفقت و بزرگواری را در طی داستان می‌توان در او دید. وی گاهی دچار تله‌های اسطوره‌ای چون سرزنش خود می‌شود، احساس گناه بی‌دلیل نیز در وجود او مشهود است.

«بدی کار این بود که در فهرست حقوق مدرسه، بزرگ‌ترین رقم مال من بود. درست مثل بزرگ‌ترین گناه در نامه اعمال. از دیدن رقم‌های مردنی حقوق دیگران آنچنان خجالت کشیدم که انگار مال آن‌ها را دزدیده‌ام. دو ساعت تمام قدم زدم و همه را بر خودم مقدم داشتم، شاید کفاره‌ای داده باشم» (آل‌احمد، ۱۳۹۱: ۶۰-۶۱).

از دیگر کارهای مدیر که نشان از بروز کهن‌الگوی حامی در اوست، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- رفتار خوب با معلمان و سعی در فراهم کردن محیطی آرام در دفتر مدرسه (همان: ۱۸).

- راه‌اندازی بساط چای در دفتر مدرسه (همان).

- میانجیگری در مورد کتک زدن ناظم به دانش‌آموزان (همان: ۳۱-۳۳).

- مرمت آب پاش و تلمبه مدرسه با هزینه شخصی (همان: ۳۶).

- پیگیری پرونده برق و تلفن مدرسه (همان).

- درخواست معلم جدیدی از اداره فرهنگ (همان: ۳۸).

- درخواست فراش جدید برای مدرسه (همان: ۳۹).

- تذکر به فراش جدید تا ساعات استراحت مزاحم معلمان نشود (همان: ۴۱).

- رفتن با ناظم و معلم کلاس چهار به انجمن محلی برای خرید کفش و لباس دانش‌آموزان (همان: ۴۷-۵۱).

- تلاش برای رفع و رجوع مشکلات اخلاقی دانش‌آموزان (همان: ۵۲-۵۶).

- پیگیری وضعیت معلم کلاس چهار وقتی تصادف می‌کند: «پدر معلم کلاس چهار او را از این کار بر حذر می‌کند چون که آمریکایی به او قول داده که معلم را استخدام کند» (همان: ۶۲-۶۹).

- کمک به فراش قدیم که وضع مالی خوبی ندارد (همان: ۷۲).

- راضی کردن مادر ناظم به بستری شدن برای مداوا (همان: ۸۱).

- ناظر انجمن خانه و مدرسه شدن (همان: ۹۱).

- رفتن به ملاقات معلم کلاس سه که دستگیر و زندانی شده (همان: ۱۰۲).

- دعوا و کتک‌کاری دانش‌آموز خاطلی (همان: ۱۰۶).

حمایتگری مدیر در مدرسه از دیگر خصیصه‌های او بارزتر است و بیش‌تر به‌عنوان یک حامی در بین دیگر شخصیت‌ها بروز می‌کند. او سعی دارد چهره‌ای انسانی و انسان‌دوست از خود نشان دهد و در این مورد هم موفق به نظر می‌رسد. او خواسته‌های فردی و جمعی دیگر شخصیت‌ها را برطرف می‌سازد و از خودگذشتگی نشان می‌دهد. وی چه در مدیریت و چه در معنویت حامی خوبی به نظر می‌رسد. استعداد ذاتی صبر و شکیبایی را در برخورد او با مقنی (پدر یکی از دانش‌آموزان که به نشانه اعتراض که چرا به فرزند او کفش و لباس نداده‌اند، به بالای دیوار مدرسه می‌رود) می‌بینیم: «نگاهی به او انداختم و بعد تشری به ناظم و معلم‌ها زدم که ولش کردند و بچه‌ها رفتند سر کلاس‌ها و بعد بی‌اینکه نگاهی به او بکنم، گفتم: خسته نباشی اوستا و همان‌طور که به‌طرف دفتر می‌رفتم رو به ناظم و معلم‌ها افزودم: لابد جواب درست و حسابی به این بنده خدا ندادید که رفته سر دیوار آدم وقتی با مدرسه کار داره، میره تو دفتر» (همان: ۸۷).

۲-۱-۳. کهن‌الگوی جست‌وجوگر

«جست‌وجوگر» برای یافتن پاسخ کنجکاو‌های عمیقش و برطرف کردن نیاز درونی‌اش ماجراجویی می‌کند (پیرسون، ۱۳۹۰: ۶۸). «او در تجزیه‌وتحلیل مسایل پیچیده مهارت دارد» (دقیقیان، ۱۳۹۰: ۵۰). جست‌وجوگر هم به دنبال دست‌یابی به علایق مادی خود، همچون دیگران است و می‌خواهد معنا و هویت درونی خود را دریابد. این کهن‌الگو می‌تواند مهارت ماجراجویی، اکتشاف و پاسخ‌گویی به نیازها را به شخص ببخشد. او خواهان این است که در نظر دیگران متفاوت، تازه و هیجان‌انگیز باشد. جست‌وجوگر تکامل یافته، ماجراجویی، استقلال و خودکفایی ارزشمندی از خود نشان می‌دهد. از زندگی تکراری اجتناب می‌ورزد و همیشه در تکاپوی جست‌وجو و یافتن تجارب نوین است، از نظرات عموم پیروی نمی‌کند و سعی در یافتن هویت و راه منحصربه‌فرد دارد، پُر انگیزگی و اشتیاق وافر داشتن از خلق‌وخوی اوست. او از سنت‌ها پرهیز می‌کند، از مهارت‌های جست‌وجوگری خود نهایت بهره می‌برد و خواهان پیشرفت در اهداف اصلی خود است و در این زمینه به هویت شخصی خود نیز وفادار می‌ماند.

اگر بخواهیم نقبی به دوران کودکی مدیر بزنیم، تنها در یکجا به این مسئله اشاره می‌شود: او خود در طی بازگویی خاطراتش به این امر اشاره می‌کند که او همان کودک جست‌وجوگر و کنجکاو داستان «گلدسته‌ها و فلک» است که از گلدسته‌های مسجد بالا می‌رود و می‌خواهد از آنجا به همه‌چیز نگاه کند (ر.ک: آل‌احمد، ۱۳۹۱: ۳۳) چهرهٔ ماجراجوی راوی نشان از خواستار پاسخگویی به نیاز درونی و تعالی‌جویی بودن او دارد. در این داستان می‌توان گاهی رگه‌هایی از بیداری کهن‌الگوی جست‌وجوگر در وجود او یافت:

- تجربهٔ شغل جدید با توجه به دانستن مشکلات خاص آن؛

- پُرانگیزه و پُر شوق بودن در انجام امور مدرسه؛

- ترجیح دادن تازه‌ها و ناشناخته‌ها به کهنه‌ها و امتحان شده‌ها (برقراری نظم و انضباط در مدرسه، خرید کفش برای دانش‌آموزان و نظارت کلی بر برگزاری امتحانات).

۲-۱-۴. کارآفرینی در مدرسه

دوستدار دگرگونی و تغییرات سریع و پیش‌بینی ناشدنی (ایجاد شورای انجمن و مدرسه، جایگزینی دو معلم به جای معلم سوم و پنجم، آمدن معلم زن به مدرسه).
راوی، از نظر خود تنها نام مدیر مدرسه را به یاد می‌کشد و بر این مسئله معترف است که مدیریت مدرسه بر انگشتان ناظم می‌چرخد، اما حس مدیریت را در کنش‌ها، واکنش‌ها و حالات او می‌توان دید. نمی‌توان گفت او در سیر و سلوک سفر قهرمانی به بیدارسازی کهن‌الگوی حاکم می‌پردازد؛ زیرا وی تنها مقام مدیریت دارد و بیشتر در هیئت حامی خود را ناظر بر احوال می‌داند؛ به‌رحال رگه‌هایی از مدیریت او و اعمال نفوذش را می‌توان در موارد زیر مرور کرد:

- برخورد و واکنش قاطعانه مدیر در تأخیر ورود معلم‌ها (همان: ۲۶-۲۷).
- برخورد قاطعانه با ناظم در مورد تنبیه فیزیکی دانش‌آموزان (همان: ۳۲-۳۳).
- ممانعت از مزاحمت فراش جدید در ساعات تفریح معلم‌ها (همان: ۴۱).
- برخورد قاطع راوی در خرید زغال برای مدرسه و زیر بار رشوه نرفتن (همان: ۴۲-۴۳).
- مواخذه پسر بچه خاطی که به دستور معلم تصاویر مستهجن و مبتذل را برای کاردستی برداشته و سرزنش معلم در این مورد (همان: ۵۲-۵۶).
- تأیید حقوق معلمان در هر دو ماه (همان: ۶۰).
- کنترل و نظارت بر تردد دانش‌آموزان (همان: ۷۱).
- برنامه‌ریزی و مدیریت خاصی برای رفع و رجوع مشکلات (همان: ۷۵).
- پایین آوردن مقنی که به نشانه اعتراض بر سر دیوار نشسته (همان: ۸۷).
- نظارت بر نمرات نوبت دوم بچه‌ها (همان: ۹۳).

- برخورد قاطعانه هنگام روی دادن اتفاق غیراخلاقی در مدرسه تجاوز به یکی از دانش‌آموزان توسط هم‌مدرسه‌ای او (همان: ۱۰۶).

۲-۱-۵. سفر قهرمانی راوی / مدیر مدرسه در داستان مدیر مدرسه

در این داستان خواننده پیش از آن‌که با یک مدیر مدرسه مواجه شود، با یک منتقد اجتماعی روبه‌رو می‌گردد که اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه خود را به معرض نمایش می‌گذارد. به نظر می‌رسد راوی مسلط بر جامعه‌شناسی سیاست و روان‌شناسی است و این را تا حدودی از نگرش و توصیف معلمان می‌توان فهمید. در طی داستان، بحران‌های روحی راوی نیز معضل دیگری است که از دید نویسنده به دور نمانده است. معترض بودن او به مسائل پیرامون خود در تمامی بخش‌های داستان پُررنگ و غنی خود را نشان می‌دهد. وی ناتوان و درمانده از ستیزه با معضلات اجتماعی است؛ اما مساعی او در این مسیر نیز چندان کم‌رنگ نیست. با این‌که در پایان نمی‌تواند آن‌گونه که می‌خواهد مسیر را به پایان برساند؛ نشانه‌ها حاکی از آن است که وی مسیر قهرمانی را طی می‌کند، هرچند به درجه قهرمانی دست نمی‌یابد. وی با ایجاد تحول در مقام خود (از معلمی به مدیر مدرسه بودن) اولین گام را برای تحول برمی‌دارد و سپس سعی در تغییر شخصیتی خود دارد که در رویدادهای داستان می‌توان آن را مرور کرد. وی به درون خود سفر می‌کند و متوجه می‌شود که این مقام مدیر بودن برای او ساخته نشده است و باید از آن کناره‌گیری کند. این سفر در سه مرحله زیر نمود پیدا می‌کند. در ابتدا به اجمال کهن‌الگوهای بیدار وی را نام می‌بریم:

نمودار شماره ۱: کهن‌الگوهای بیدار در سفر قهرمانی راوی مدیر مدرسه



۲-۱-۶. آماده شدن برای سفر

همراه با انتخاب مدیر بودن به جای معلمی چندین ساله، سفری درونی نیز برای راوی آغاز می‌شود. در این مرحله، کهن‌الگوی نابودگر در شخصیت راوی بروز می‌کند و وی سعی در ایجاد تحول و تغییر دارد. مدیر با اشاره‌ای گذرا در طی داستان به این که در دوران کودکی و نوجوانی خواهان بالا رفتن از گلدسته‌های مسجد بوده است، تجلی کهن‌الگوی جست‌وجوگر را در وجود خود نشان می‌دهد؛ اما آنچه نظر خواننده را به خود معطوف می‌سازد، کهن‌الگوی نابودگر است؛ زیرا راوی خواهان انقلابی در زندگی شخصی و روحی خود است. فشار کار معلمی را می‌خواهد با مدیر شدن جبران کند و همین سبب می‌گردد گام در مرحله جدیدی در زندگی بگذارد. فکر می‌کند که این مرحله آرامش درونی و فکری برایش دارد: «گفتم: مدیر بشوم، مدیر دبستان. دیگر نه درس خواهیم داد و نه دم‌به‌دم وجدانم را میان دوازده و چهارده به نوسان خواهیم آورد و نه مجبور خواهیم بود برای فرار از اتلاف وقت در امتحان تجدیدی به هر احمق بی‌شعوری هفت بدهم تا ایام آخر تابستانم را که لذیذترین تکه تعطیلات است، نجات داده باشم، این بود که راه افتادم» (همان: ۱۲).

غافل و فارغ از این مسئله که با انتخاب مدیریت با تنش‌هایی خاص‌تر و پیچیده‌تر مواجه می‌گردد که با روح او کم‌تر تناسب و سنخیت دارد. در این مرحله، کهن‌الگوهای نابودگر و جست‌وجوگر دست‌به‌دست هم می‌دهند و راوی را برای ورود به مرحله جدیدی از زندگی آماده می‌سازند. خوش‌بینی‌های کهن‌الگوی معصوم نیز در همان بدو ورود به مقام مدیریت گهگاه دیده می‌شود (همان). افراد مکمل و پرورش‌دهنده در این مرحله برای او دلال شغلی و مدیر اداره فرهنگ هستند که او را به مدیریت مدرسه‌ای دورافتاده در کنار کوه می‌گمارند.

۲-۱-۷. آغاز سفر اسطوره‌ای

پس از ورود به برهه‌ای جدید از زندگی، راوی سفر خود را آغاز می‌کند. در این مرحله کهن‌الگوی حامی بسیار پُررنگ بروز می‌کند. کهن‌الگوی نابودگر نیز با تمایل به تحول و دگرگونی در اوضاع، در این مرحله خود را نشان می‌دهد. می‌توان بیداری کهن‌الگوی نابودگر را در موارد ذیل مشاهده کرد:

- توجه به حضور و غیاب معلمان و تأخیر آنان در تردد به مدرسه (همان: ۲۶-۲۸).

- توجه به تغییر در محیط مدرسه و در مورد برق و آب مدرسه (همان: ۳۶).

- تحول در ظاهر دانش‌آموزان (همان: ۴۷-۵۰).

- تحول در برخورد با دانش‌آموزان (همان: ۳۲-۳۳).

راوی با وجدانی راحت و آسوده وارد این سفر می‌شود و آنچه به او آرامش بخشیده، بروز کهن‌الگوی حامی است. افکار و کنش‌های حامیانه با شغلی که برگزیده است، عجین شده و رفتار دوستانه برقرار کردن با ناظم و معلمان به او در این مسیر یاری می‌رساند. حمایت از وضعیت ظاهری مدرسه نیز موقعیت و شرایط مطلوبی برای او فراهم خواهد ساخت. حمایت از دانش‌آموزان و معلمان در طی داستان نمودی از حمایت‌های بی‌مضایقه راوی است. بروز کهن‌الگوی حامی می‌خواهد او را به مرحله دیگر و حاکمیت مطلق برساند؛ اما متأسفانه وی دچار چالش‌های اسطوره‌ای چون گناهکار دانستن خود، توانایی از دست دادن در رویارویی با مشکلات انتهای داستان و تصمیم‌های زودبزه چون استعفا می‌شود و همین سبب می‌گردد او نتواند به مقام حاکم تکامل یافته در بازگشت از سفر اسطوره‌ای خودشناسی دست یابد. در زیر به برخی از تله‌های اسطوره‌ای و واکنش‌های راوی مدیر مدرسه اشاره می‌شود:

جدول شماره ۱: تله‌های اسطوره‌ای و واکنش‌های راوی مدیر مدرسه

واکنش‌ها	کنش‌ها
نوشتن استعفا	با دیدن رشوه‌گیری و رشوه‌ستانی‌ها
نوشتن استعفا	با دیدن فاعل و مفعول واقع‌شدن دو دانش‌آموز در حرکتی غیراخلاقی
ترک جلسه امتحانی و رفتن به اتاق خود	با دیدن تقلب‌های دانش‌آموزان در جلسات امتحان
از دست دادن حس مدیریت	با دیدن قضاوت شخصی خود بر اعتبار وضع مالی پدر دانش‌آموزان

۲-۱-۸. بازگشت از سفر اسطوره‌ای

ارمغانی که این سفر درونی برای راوی در بردارد، تصمیم‌گیری وی برای کناره‌گیری از شغل مدیریت است. او با بروز کهن‌الگوی حامی و نابودگر به صورت آنی در وجودش پس از طی روند سفر تصمیم می‌گیرد از شغلش کناره‌گیری کند و سرانجام استعفانامه‌اش را می‌فرستد. در این مرحله خواننده می‌تواند نمایی محو از حاکم تکامل نیافته را نیز در مدیر (راوی) ببیند. وی با شرایط پیرامون خود آشنا شده است؛ اما خود را از این موقعیت رها می‌سازد. چون معتقد است این موقعیت وی را دچار چالش‌هایی می‌سازد که تأثیر مستقیم در زندگی‌اش دارد و باورهای اطرافیان با باورهایش سنخیتی نخواهد داشت.

۲-۲. بررسی و تحلیل شخصیت راوی در نظریه انیاگرام

انیاگرام یک شکل هندسی است که نه تیپ شخصیتی اصلی انسان و روابط پیچیده آن را ترسیم می‌کند. این شکل هندسی از سه قسمت تشکیل شده است: ۱. دایره‌ای است که در بیرون قرار گرفته و نمایانگر وحدت و یگانگی است؛ ۲. مثلثی است و درون دایره - که نمایانگر نیروی سه‌گانه طبیعت است و هویت موجود را نشان می‌دهد و گویای سه نیروی ضروری برای خلاقیت است؛ ۳. ستاره‌ای چندضلعی است در درون

دایره - که نمایان‌گر قانون هفت‌گانه روابط طبیعی است و نشان‌دهنده تغییر و تحول رویدادهای زندگی در طول زمان است که از تلفیق این سه عنصر (دایره، مثلث، شش‌ضلعی) انیاگرام به دست می‌آید (دقیقیان، ۱۳۹۲: ۴۷). ترکیب این سه شکل نماد کامل انیاگرام را تشکیل می‌دهد.

دانش انیاگرام، دانشی کهن برای خودشناسی و هدایت روحی انسان‌ها است که اولین بار عارف روسی به نام گرجیف برای مشاوره روانی پایه‌گذاری کرد. در این مکتب هر آنچه باعث رشد نکردن شخصیت گردد، گناه محسوب می‌شود؛ زیرا احساس گناه از انرژی عشق و دوست داشتن جلوگیری می‌کند و اجازه نمی‌دهد تا انسان به صورت آزادانه زندگی کند و این باعث جدایی انسان از دیگران می‌شود (دارابی، به نقل از آهنگر، ۱۳۸۸: ۵۴).

مدیر مدرسه یا همان راوی دارای خصوصیتی است که در تیپ‌شناسی انیاگرام در تیپ‌های رئیس و رهبر، مشاهده‌گر و فکور و کمال طلب قرار می‌گیرد.

۲-۱. اصلاح طلب و کمال‌گرا

شخصیت این تیپ منتقد خود و دیگران است. معتقد است که فقط یک راه صحیح برای انجام دادن کار وجود دارد. به علت ترس از اشتباه، از انجام دادن کار طفره می‌رود (ر.ک: سررشته‌داری، ۱۳۹۵: ۲۵). محاسن شخصیتی عبارت‌اند از: بهتر خواهی و بهتر گزینی، پایدار و قوی، مسئول و جدی، قابل‌اعتماد، مبادی اخلاق، روراست و صادق، وقت‌شناس و بانظم، سخت‌کار، کمال‌گرا و آرمان‌گرا، پیشرفت‌گر. معایب شخصیتی عبارت‌اند از: متوقع و زورگو، عصبانی و تندخو، ایرادگیر، سخت‌گیر، نصیحت‌گر، جاه‌طلب، قضاوت‌گرا، زیاده از حد جدی و کمال‌گرا، بی‌حوصله، منتقد و عیب‌جو، باید و نباید‌گویی فراوان و ریزبین (ر.ک: دقیقیان، ۱۳۹۲: ۸۹).

کسانی که دارای این تیپ شخصیتی هستند، افرادی با وجدان، بااخلاق و دارای حس قوی تشخیص حق از باطل هستند. آن‌ها معلم، مبارز و طرفدار همیشگی تغییر

هستند که همواره برای بهبود امور تلاش می‌کنند؛ اما از اشتباه کردن نیز می‌ترسند. این‌ها افرادی با اعتقادات و باورهای خاص و قوی دربارهٔ همه‌چیز هستند که بر علت‌ها تکیه می‌کنند و خاطرنشان می‌کنند که اوضاع و احوال چگونه باشد. منظم و سازمان‌یافته می‌شوند؛ اما هم‌زمان سرد و بی‌عاطفه و انعطاف‌ناپذیر شده، هیجانات خود را محدود و احساسات و تکانه‌های خویش را مهار می‌کنند. با قضاوت‌گرایی اعمال خود و دیگران را با توجه به اصول اخلاقی حاکم بر جامعه کنترل می‌کنند و واژه‌های مثل باید و نباید را به‌وفور استفاده می‌کنند. به همین علت افرادی سخت‌گیر، تندخو، مشکل‌پسند، ریزبین و اصلاح‌طلب هستند (ر.ک: صنعت‌گر، ۱۳۹۲: ۳۶؛ نیز ریسو هادسون، ۱۳۹۵: ۴۲۰-۴۱۹) خصوصیتی که راوی را در تیپ کمال طلب قرار می‌دهند، در جدول شماره ۲ ذکر شده است:

جدول شماره ۲: مؤلفه‌های تیپ اصلاح‌طلب و کمال‌گرا قهرمان داستان مدیر مدرسه

مؤلفه‌ها	شواهد
متنفر از مراجع قدرت	رفتم تو، سلام و تبریک همین تعارف را پراندم. بله خودش بود. یکی از پخمه‌های کلاس که آخر سال سوم کشتیارش شدم دو بیت از «الامیة العرب» را حفظ کند، نتوانست که نتوانست. پیدا بود که قرآن سعیدین مرا هم نفهمید که هر گدای الرحمن خونی می‌فهمد و حالا او رئیس فرهنگ بود و من آقای مدیر (آل احمد، ۱۳۹۱: ۷۵).
پناه همه	سیگارم که تمام شد، قضیه رئیس فرهنگ قبلی و آن دو نفر را درگوشی ازش پرسیدم، حرفی نزد. فقط نگاهی کرد که شبیه التماس بود و من فرصت جستم تا وضع معلم کلاس سوم را برایش روشن کنم و از او بخواهم تا آنجا که می‌تواند جلوی حقوقش را نگیرد (همان: ۷۵).
تناقض در حرف و عمل	حالا دیدم که اینجا اگر اختیار با من باشد به ترتیب دارایی پدرها نمره خواهم داد و تازه خنده‌دار این بود که با این رفتارم می‌خواستم فقر را بکوبم (همان: ۷۱).
سرزنش خود	اگر ترکه‌ها را شکستی ناچار با نمره باید بزندی. این دور و تسلسل آن‌قدرها کوچک نیست و در دسترس تو، که بتوانی یکجا قطعش کنی. در مدرسه‌ای یا

<p>در کلاسی یا امتحانی. این جوری بود که کم کم می دیدم حتی مدیر مدرسه هم نمی توانم باشم (همان: ۶۹).</p>	
<p>می خواستم کوتاه بیایم، ولی مدیر مدرسه بودن و در مقابل یک فرآش پر رو ساکت ماندن! (همان: ۲۶).</p>	<p>حق به جانب</p>
<p>در اتاقم را که باز کردم، داشتم دماغم را با بوی خاک نم کشیده اش اخت می کردم که آخرین معلم هم آمد. آدمم توی ایوان و با صدای بلند، جوری که تمام مدرسه بشنوند، ناظم را صدا زدم و گفتم با قلم قرمز برای آقا یک ساعت تأخیر بگذار (همان: ۱۸).</p>	<p>رک بودن</p>

۲-۲-۲. تیپ رئیس و رهبر

در تیپ شناسی انیاگرام، تیپ شماره هشت «رئیس و رهبر» نام گذاری شده است. «هشتمی ها افرادی سرشار از اعتماد به نفس، مقتدر، قوی و جسور هستند. محافظ، مدیر، مدبر، رُک گو و قاطع هستند؛ اما می توانند به افرادی خودخواه و سلطه گر نیز مبدل شوند. تیپ هشتمی ها احساس می کنند باید محیط خود و به خصوص مردم افراد خود را کنترل کنند و گاهی بر این امر، تهاجمی و تهدید آمیز رفتار می کنند» (صنعت گر، ۱۳۹۲: ۱۵۸).

سطح سالم افراد حاضر در این تیپ افرادی خودکفا متکی به خود و قوی هستند که به خوبی می توانند از حق و حقوق خود و دیگران دفاع کنند و پاسخگوی نیازها و خواسته های خود باشند. آن ها عمل گرایی و انگیزه های قوی درونی و توانایی های رفتاری راسخ دارند و چالش های زندگی را دوست دارند؛ همچنین افرادی پیش رو رئیس و رهبر نیز هستند (ر.ک. دقیقان، ۱۳۹۲: ۲۴۵)؛ قهرمان مردم، نان آور و حامی و شرافتمند. دیگران را با قدرت اداره می کنند و در بهترین حالت خوددار و بلندهمت می شوند. بخشنده و شکیبیا و با تسلیم خویش به قدرتی برتر استاد نفس می شوند. شجاع، مشتاق برای قرار دادن خودشان در مخاطرات جدی برای دستیابی به بینششان و دارا شدن تأثیری پایدار. ممکن است به قهرمانی حقیقی و بزرگ تاریخی نائل شوند» (ایخازو، ۱۳۸۹: ۱۶۹).

با توجه به خصوصیتی که از راوی داستان مدیر مدرسه در متن داستان می‌بینیم، می‌توان او را در تیپ هشت قرار داد. بارزترین خصوصیتی که او را در تیپ رئیس و رهبر قرار می‌دهد، در جدول زیر ذکر شده است:

جدول شماره ۳: مؤلفه‌های تیپ رئیس و رهبر قهرمان داستان مدیر مدرسه

مؤلفه‌ها	شواهد
متکبر بودن	از در که وارد شدم، سیگار دستم بود و زورم آمد سلام کنم. همین‌طوری دنگم گرفت بود قد باشم (آل احمد، ۱۳۹۱: ۵)
طرفداری از افسار ضعیف و پایین جامعه	ناظم هم راضی بود و معلم‌ها هم. چون نه خبری از حسادتی بود و نه حرف و سخنی پیش آمد. فقط می‌باید به ناظم سفارش می‌کردم که فکر فراش هم باشد (همان: ۶۵).
حمایتگر	پنج‌تا از بچه‌ها توی ایوان به خودشان می‌پیچیدند و ناظم ترکه‌ای به دست داشت و به‌نوبت کف دستشان می‌زد. خیلی مقرراتی و مرتب. به هرکدام دوتا چوب، کف دو دستشان و از نو. صف‌های کلاس تماشاچی‌های این مسابقه بودند. بچه‌ها التماس می‌کردند، گریه می‌کردند، اما دستشان را هم دراز می‌کردند. عادتشان شده بود. دوتاشون گنده بودند و دروغی سوز و بریز می‌کردند. یکی‌شان به چنان مهارتی دستش را از زیر چوب درمی‌برد و جای خالی می‌کرد که حظ کردم و لابد همین ناظم را عصبانی کرده بود... ناظم تازه متوجه من شده بود و سلامش توی دهانش بود که دخالتم را کردم و خواهش کردم این بار همه‌شان را به من ببخشد (همان: ۱۹).
برقراری ارتباط از طریق مبارزه	عکس‌ها را با یک ورقه از اباطیلی که همان روز سیاه کرده بودم، پوشاندم و بعد با لحنی که دعوا را با آن شروع می‌کنند پرسیدم: خب، غرض؟ و صدایم توی اتاق پیچید (همان: ۳۵).

تفکرگراها افرادی برخوردار از درک و هوش بسیار بالا، نگاهی دقیق، نکته‌سنج، ریزبینانه و کنجکاو بسیار زیادی هستند. «آنها قادر به تمرکز بر روی ساختار مهارت‌ها و نظریه‌های پیچیده هستند. مستقل، خلاق و مبتکر هستند. همچنین می‌توانند با افکار و ساختارهای خیالی خود سرگرم شوند. می‌توانند گوشه‌گیر شوند و در عین حال حساس و پرشور باشند» (صعت‌گر، ۱۳۹۲: ۱۰۶).

شخصیت نوع پنجم، دائماً در حال آماده‌سازی خود برای آینده است و در یک رشته دارای تبحر می‌شود که برای او اعتمادبه‌نفس کافی برای کسب موقعیت مناسب را فراهم آورد» (ریزو، ۱۳۸۳: ۱۰۶).

سطح سالم به همه چیز با دید و نگرشی هوشمندانه و بینشی پاکیزه می‌نگرند و از نظر ذهنی هشیار و کنجکاو و برخوردار از جست‌وجوگری هوشمندانه‌اند؛ به طوری که هیچ چیز از نظرشان پنهان نمی‌ماند. نشان‌دهنده توانمندی در دوراندیشی و پیش‌بینی امور از توانایی‌های این افراد است. همچنین افرادی آینده‌نگر و دارای درک گسترده از امور دنیا همراه با تلاش برای رخنه کردن در عمق واقعیت‌های زندگی هستند (رک: ریسو و هادسون، ۱۳۹۵: ۱۹۳). «معمولاً محقق و دانشمند و یا مخترع می‌شوند واقع‌گرا و مشاهده‌گر بسیار صادقی هستند که رویدادها و چیزها را همان‌طور که هستند می‌بینند آنها می‌توانند کاشف شوند یا طرح تازه و نوینی در کارهای هنری ارائه دهند» (دقیقیان، ۱۳۹۲: ۱۸۴). «از فراگیری لذت می‌برند و با کسب دانش بسیار خرسند می‌شوند» (همان: ۱۸۳) «با داشتن قناعت، قادر است با امکانات پایه زندگی کند. قدرت در داشتن اطلاعات است و اطلاعات ویژه قدرت را برای فرد نوع پنجمی به ارمغان می‌آورد» (پالمر، ۱۳۸۹: ۱۸۵). خصوصیتی که مدیر (راوی) را در تیپ مشاهده‌گر و فکور قرار می‌دهند در جدول زیر ذکر شده است:

جدول شماره ۴: مؤلفه‌های تیپ مشاهده‌گر و فکور قهرمان داستان مدیر مدرسه

مؤلفه‌ها	شواهد
عاشق کندوکاو	خوشحال بودم که فرصتی به دست خواهم آورد و با این آدم‌های تازه، آشنا خواهم شد و از دل هر کدامشان خبرها خواهم گرفت و به دنیای در بسته تازه‌ای وارد خواهم شد (آل احمد، ۱۳۹۱: ۱۰).
مبادی آداب	مدیر سربه‌زیر و پا به راهی بودم که از همه خواهش می‌کردم و پشت سر هر بقال و میرایی تا دم در می‌رفتم. چون می‌دانستم اولیای اطفال بیش از بچه‌هایشان، محتاج آموختن این جور آداب‌اند؛ و حالا ناظم مدرسه داشت به من یاد می‌داد که به جای نه خروار ذغال مثلاً هیچ‌ده خروار تحویل بگیرم و بعد با اداره فرهنگ کار بیایم. هی ... هی ... (همان: ۲۷).

۳. نتیجه‌گیری

آل احمد نویسنده‌ای واقع‌گرا است. شخصیت وی، شخصیت انسانی روشنفکر، جامعه‌گرا و هدف‌گراست که این موضوع را می‌توان در لابه‌لای زندگی شخصی وی و در آثارش به‌وضوح مشاهده کرد.

سفر به درون شخصیت در مدیر مدرسه به شیوه «خاطره‌گویی» شکل می‌پذیرد. راوی/مدیر با شکل گرفتن چهار کهن‌الگو پا به این سفر می‌گذارد. او به قصد تحول در زندگی و فکر و اندیشه، این سفر قهرمانی را پی می‌گیرد، با این که پایانی جز «استعفا» و کناره‌گیری از ایجاد دگرگونی ندارد؛ اما قادر به طی روند سفر به درون می‌شود. قصدش نیز به صورت اضمار و استتار «خودشناسی» است. وی می‌خواهد در زیر لایه جامعه‌شناسانه حاکم بر فضای داستان، خود را به مخاطب بشناساند. او نمونه و مصداق جامعی برای بشر حاضر در جامعه معاصر نویسنده است که در حال دست‌وپنجه نرم کردن با معضلات و سختی‌های جامعه‌ای است که بر او تحمیل شده است. همین مسئله بازگویی یک تحول اساسی در زندگی که با یک تلنگر جزئی (تغییر شغل از معلمی به مدیر بودن) آغاز می‌شود، در حقیقت او را وارد به سفر به درون

خود می‌سازد. او خود را در طی این سفر می‌شناسد، فردی که می‌خواهد تحول ایجاد نماید؛ اما بن‌بست‌های جامعه اجازه هر کاری را نمی‌دهد.

نویسنده توانسته است این سفر درونی را به قصد نیل به تعالی و کمال در وجود راوی/ مدیر نشان دهد، مصادیق و شواهد نشان می‌دهد، این شخصیت در واقع آل احمد است که خواهان تحول در جامعه خود است و مدرسه نیز نمادی از جامعه پیرامون اوست، دانش آموزان، معلمان و والدین اعضای جامعه هستند که آل احمد هر روز و هر لحظه با آنان مواجه است. حضور کهن‌الگوهای متعدّد در وجود دیگر شخصیت‌ها در پرورش‌دهندگی شخصیت راوی/ نویسنده تأثیر بسیار دارند. پویایی شخصیت راوی مزید بر علت حضور وی در سفر به درون است.

جلال آل احمد تا اندازه‌ای که نوع داستان‌هایش اجازه می‌دهد به عناصر داستانی، پایبند بوده است. او شخصیت‌های داستان‌های خود را با استفاده از شیوه‌های صریح و غیرصریح به ما معرفی می‌کند و به‌خصوص از میان ابزار شخصیت‌پردازی، از توصیف شخصیت‌ها به خوبی بهره می‌برد که نمونه بارز این توصیف در «مدیر مدرسه» به خوبی جلوه‌گر است. می‌توان بیان کرد که روای مدیر مدرسه دقیقاً همان آل احمد، نویسنده است و همین یکی بودن راوی و نویسنده باعث شده است نویسنده وقایع داستان و افکار راوی را به دقت حس کرده باشد و بتواند آن‌ها را به خوبی توصیف کند.

با بررسی انجام‌شده در هر دو نظریه مشاهده شد که در نظریه کارول. اس. پیرسون و هیو. کی. مار شخصیت راوی داستان، نشان‌دهنده سه کهن‌الگوی، یتیم و معصوم، حامی و جست‌وجوگر است و در تیپ‌شناسی انیاگرام نشان‌دهنده سه تیپ اصلاح‌طلب و کمال‌گرا، رئیس و رهبر و فکور و مشاهده‌گر است که تقریباً در هر دو نظریه این تیپ‌ها مشابه هم‌دیگر هستند.

کتاب‌شناسی

کتاب‌ها

۱. آل احمد، جلال (۱۳۹۱)، *مدیر مدرسه*، تهران: امیرکبیر.
۲. دارابی، جعفر (۱۳۸۸)، *روان‌شناسی شخصیت رویکرد و مقایسه‌ای*، ویرایش دوم، تهران: آبیژ.
۳. ایخازو، اسکار (۱۳۸۹)، *نه‌گانه شخصیت*، ترجمه مجید آصفی، تهران: فرهنگ نور.
۴. پالمرو، هلن (۱۳۸۹)، *اناکرام (شخصیت‌شناسی) در کار و زندگی*، ترجمه احسان الوندی، تهران: رسا.
۵. پیرسون، کارول (۱۳۹۰)، *زندگی برزنده من: مؤثرترین راهکارهای تحلیل خویشتن و غنی سازی ارتباط با دیگران*، برگردان کاوه نیروی، تهران: بنیاد فرهنگ زندگی.
۶. دقیقیان، پروین (۱۳۹۲)، *روان‌شناسی تیپ‌های شخصیتی نه‌گانه (اینیگرام)*، تهران: آشیانه کتاب.
۷. ریزو، دان ریچارد (۱۳۸۳)، *خصوصیات شخصیت خود را کشف کنید بر اساس روش پیشرفته آنیگرام*، ترجمه ایرج صابری، فرهاد شیخ الاسلامی، تهران: پیک بهار.
۸. ریسو، دان ریچارد و هادسون، راس (۱۳۹۵)، *انواع شخصیت بر اساس اینیگرام*، ترجمه ایرج صابری و شیرین جزایری، تهران: ارجمند.
۹. سررشته‌داری، مهدی (۱۳۹۵)، *اینه‌گرام یا تیپ‌شناسی نه‌گانه شخصیت-ها*، تهران: مهراندیش.
۱۰. صنعت‌گر، نوذر (۱۳۹۲)، *آنیگرام فارسی*، تهران: رادیان.
۱۱. میر صادقی، جمال (۱۳۸۲)، *داستان و ادبیات*، تهران: آیه مهر.

مقاله‌ها

۱. سرآمی، قدمعلی و مقیسه، محمد حسن. (۱۳۹۲)، «*پژوهشی در شخصیت‌های داستان مدیر مدرسه اثر جلال آل احمد*». فنون ادبی سال پنجم، شماره ۱ (پیاپی ۸): ۸۷-۷۲.
۲. کمالی نهاد، علی‌اکبر و شیخ الاسلامی مگری، سوران (۱۳۹۹)، «*تحلیل اوضاع آموزش و پرورش و وضعیت معلمان در مدیر مدرسه جلال آل احمد*»، نشریه تحقیقات تاریخ اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۲: ۱۹۹-۱۷۱.